



کد کنترل

163

F

آزمون (نیمه متمرکز) ورود به دوره های دکتری - سال ۱۴۰۱

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه ۱۴۰۰/۱۲/۶



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود»
امام خمینی (ره)

رشته زبان و ادبیات عربی
(کد ۲۱۱۰)

جدول مواد امتحانی، تعداد، شماره سؤال ها و زمان پاسخ گویی

زمان پاسخ گویی	تأ شماره	از شماره	تعداد سؤال	مواد امتحانی
۱۲۰ دقیقه	۱۰۰	۱	۱۰۰	مجموعه دروس تخصصی: - ترجمه و تعریف متون - صرف و نحو - علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض) - تاریخ ادبیات عربی - درک و فهم متون ادبی (قدیم و جدید)

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤال ها به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می باشد و با متخلفان برابر مقررات رفتار می شود.

* متقاضی گرامی، وارد نکردن مشخصات و امضا در کادر زیر، به منزله غیبت و حضور نداشتن در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ‌نامه و دفترچه سؤال‌ها، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤال‌ها و پایین پاسخ‌نامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ عین الأنسب و الأدق في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۱۰)

۱- « لا تریغ ایها الإنسان علی ظنک و تعرف قصور ذرعتك! »:

هان ای مرد!.....

- ۱) تو که از عیب خود با خبری، چرا کوتاه‌دستی خود را نمی‌بینی!
- ۲) چرا مدام از دیگران خردم می‌گیری و کوتاه‌دستی خود را نمی‌بینی!
- ۳) چرا موقعیت و جایگاه خود را نمی‌شناسی و کوتاه‌دستی خویش را نمی‌بینی!
- ۴) عیب خود را در نظر بگیر و از کوتاه‌دستی خود آگاه شو تا بتوانی آن را ببینی!

۲- عین الصحیح:

- ۱) حُبِّ السَّلامَةِ یُثَنِّی هَمَّ صاحبه عن المعالي: عاقبت‌طلبی، اندوه آدمی را در نرسیدن به مقامات والا می‌زداید.
- ۲) اربأ بنفسك أن ترعى مع الهمل: نفس خود را پرورش بده تا همراه و همدم بزرگان، قدرت و توان گیرد.
- ۳) ما أضیق العیش لولا فسحة الآمال: اگر گستردگی امیدها نبود، چغندر زندگی سخت می‌شد.
- ۴) حلیة الفضل زاننتی لدى العطل: زیور دانش، به‌گاه بیکاری زینت‌بخش زندگی است.

۳- « قد یغرب العقل ثم یؤوب و یکدر الماء ثم یصفو، فکل غمرة فانی انجلاء! فإن أسأت فلا تياس، إني ساقیم علی دابی فی الإبقاء علی ودي، طمعا فی إنباتک: »:

- ۱) عقل گاهی عقب می‌نشیند سپس به حال خود باز می‌گردد، و آب تیره می‌شود سپس به صافی می‌گراید، پس هر تاریکی به سمت روشنایی است! تو نیز اگر بدی کردی تا امید مشو، که من به امید توبه کردن تو بر راه و روش خود در ادامه دوستی‌ام باقی خواهم ماند.
- ۲) عقل حتماً دورگشته سپس به راه خود رجوع می‌کند، و آب گل‌آلود زلال می‌گردد، پس هر عباری ناگزیر روزی از بین می‌رود! اگر اشتباهی کرده‌ای حبران کن و امید داشته باش که من برای باقی نگه‌داشتن رشته دوستی به بازگشت تو امیدوار می‌مانم.

۳) هر تاریکی روزی روشن خواهد شد همان‌گونه که عقل چون از بین برود باز خواهد گشت، و آب اگر کدر شود زلال خواهد گشت! اگر خطا کردی امید خود را از دست مده که من به توبه تو امیدوارم و به دوستیمان وفادار خواهم ماند.

۴) عقل اگر دور شود حتماً برمی‌گردد و آب کدر ناچار صاف می‌شود و هر تیرگی روشن خواهد شد! تو نیز چون بدی کردی امیدوار باش که من برای برگشت تو مودت‌مان را حفظ خواهم کرد و بر آن پایدار خواهم ماند.

۴- «و فی الحی آهوی، یتفضن المرء شادنّ
محبوب من در قبیله

- (۱) آهوی سیه‌چشمی را می‌ماند که شاخه‌های درختان را تکان می‌دهد و ظاهری بسان گردنبندی از مروارید و زبرجد دارد.
- (۲) مانند آهویی زیبا است که لبانی تیره دارد و ثمره درختان را می‌تکاند و تظاهر می‌کند گردنبندی از مروارید و زبرجد دارد.
- (۳) آهوی زیبایی است که لبهای گندمی دارد و غبار از شاخه‌ها کنار می‌زند و گردنبندی از مروارید و زبرجد به گردن آویخته است.
- (۴) مانند آهویی است سیه‌چشم و گندمگون لب و درازگردن که گردنش را برای خوردن میوه درخت بالا آورده و گردنبندی از مروارید و زبرجد روی هم به گردن آویخته است.

۵- «أحسی قرأینیه صرف الزدی و مضی یحتث أنجی مطایاه من الهرب»:

- (۱) حادثه مرگ را برای مقربان خویش ترتیب داد و رفت و نجات‌دهنده‌ترین مرکب را برای گریز برگزید.
- (۲) جام مرگ را به قربانیهای خود نوشاند و رفت در حالی که برای گریختن نجات‌دهنده‌ترین مرکب خود را می‌راند.
- (۳) لباس مرگ را به مقربان خود پوشانده و رفت در حالی که مرکبش را تشویق می‌کرد که بگریزد و خود را نجات دهد.
- (۴) جام مرگ را به مقربان ویژه او نوشاند و رفت در حالی که بهترین و گرانبهاترین چیزهایی را که از مرکبها نزدش بود، به فرار تشویق می‌کرد.

۶- «ما زلت أقیم فی هواه عذری حتی رجع العاذل یهواه معی»:

- (۱) لیس لی فی حبه عذر حتی عاد العاذل معی یحبه ترخماً علی.
- (۲) ما زلت أقیم فی الهوی العذری حتی صار اللاتم عاشقاً له مثلی.
- (۳) أقیم فی حبه دائماً و أنا معذور حتی یرجع اللاتم باللوم علی هواه و أنجو من لومه.
- (۴) كلما لامنی اللاتم فی هواه كنت أبین أسراری فی المحبة فاستمررت فی ذلك حتی عشقه هو أيضاً.

۷- عین الصحیح فیما یستنبط کلیاً من العبارة التالية:

«كلفتُ مَـدْ میطت عَـی الثَّـمَانُـمَ و نیطت بی العِـمَانُـمَ بـأنْ أعشی مکان الأدب»:

- (۱) تحمل النّـعـب بـواسـطـة التّعویـذات و الحرمان عن طلب الأدب.
- (۲) الحرص علی طلب العلم و الأدب بعد الاجتياز من عهد الطفولة.
- (۳) الضّـجـر و الاستیاء إثر تعویذات الطفولة و الحبّ و الاشتیاق الی الأدب.
- (۴) الاجتياز من مرحلة الطفولة و الحصول بواسطة الأدب علی مكانة مرموقة .

۸- « جالب این است که اولین نمونه شعر فارسی، به همان اندازه که نمونه قدیمی‌ترین شعر به زبان فارسی دری است، قدیمی‌ترین شعر اسلامی این زبان هم بشمار می‌آید»:

(۱) من الطریف أن أول نموذج للشعر الفارسي، يعد أقدم شعر إسلامي في هذه اللغة بنفس نسبة اعتباره نموذجاً لأقدم شعر باللغة الفارسية الدرية!

(۲) مما يلفت النظر أن أول نموذج للشعر الفارسي، بمقدار ما يعتبر أقدم شعر بالفارسية الدرية في عين الحال يعتبر أقدم الأشعار الفارسية الإسلامية!

(۳) من الجدير بالذكر أن النموذج الأول من الشعر الفارسي، يعد أقدم الأشعار الإسلامية في هذه اللغة بنفس النسبة التي يعتبر أقدم شعر باللغة الفارسية الدرية!

(۴) من الطریف أن النموذج الأول من الشعر في اللغة الفارسية، يعتبر أقدم الأشعار الإسلامية بنفس المقدار الذي يعتبر أول نموذج للشعر في الفارسية الدرية!

۹- « برخلاف آنچه غالباً تصور می‌شود، کار علمی در عالم اسلام از همان قرن اول هجری در عرصه قابل توجهی شروع شد»:

(۱) على عكس ما تتصوره الغالبية من الناس، فإن العمل العلمي في عالم الإسلام شرع من القرن الأول الهجري في نطاق يلفت للنظر!

(۲) على خلاف ما يتصور عامة، فإن النشاط العلمي في العالم الإسلامي أخذ يظهر بشكل ملفت للنظر منذ القرن الأول للهجرة!

(۳) خلافاً للتصور السائد، فإن النشاط العلمي في العالم الإسلامي بدأ منذ القرن الأول الهجري بالذات على نطاق ملفت للنظر!

(۴) عكس ما يتصور العموم، فإن العمل العلمي في عالم الإسلام ظهر من القرن الأول الهجري بالذات على نطاق يجلب الأنظار!

۱۰- « مهم‌ترین فرمانروای سیسیل یعنی فردریک دوم با زبان عربی آشنایی داشت و در سال ۱۲۲۸ میلادی به قصد شرکت در جنگ‌های صلیبی به بیت المقدس رفت»:

(۱) إن أبرز حكام صقلية أي فردريك الثاني كان له إلمام باللغة العربية و توجه بنفسه في سنة ألف و مائتين و ثمان و عشرين الميلادية إلى بيت المقدس للمشاركة في الحروب الصليبية.

(۲) أهم الحكام في صقلية كان فردريك الثاني و هو كان متضلعا من اللغة العربية و في سنة ألف و مائتين و ثمان و عشرين قصد السفر إلى بيت المقدس ليشترك في حروب الصليبيين.

(۳) إن أعظم حكام صقلية أي فردريك الثاني كان عارفاً باللغة العربية و في عام ثمان و عشرين بعد الألف و المائتين سافر بنفسه إلى البيت المقدس و شارك في الحروب مع الصليبيين.

(۴) الحاكم الأبرز من بين حكام صقلية كان فردريك الثاني و يجيد اللغة العربية فتوجه إلى البيت المقدس في عام ثمانية و عشرين بعد الألف و المائتين ليشترك في الحروب الصليبية.

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي الْجَوَابِ عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (۱۱-۱۵)

۱۱- « زَعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا ». عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) كفروا: فعل ماضٍ، مبني للمعلوم، فاعله ضمير الواو البارز و الجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير الواو
- (۲) أن: حرف مخفّف من « أن » المشبهة بالفعل، اسمه ضمير الشأن تقديره « أنه » و خبره جملة « لن يبعثوا »
- (۳) يبعثوا: مضارع، مجرّد ثلاثي، مبني للمجهول، منصوب بحرف « لن » و علامة نصبه حذف نون الإعراب، و نائب فاعله ضمير الواو البارز

(۴) زعم: فعل من أفعال القلوب أو التحوّل لليقين، و هي من النواسخ، اسمه « الذين » و المصدر المؤوّل « أن لن يبعثوا » مفعول به و قد سدّ مسدّ مفعوليه

۱۲- « فَايْنُظُرُوا إِنَّمَا أَمْضَىٰ عَزِيمَةٌ ». عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) ينظروا: فعل مضارع مجزوم بحرف اللام، و من ملحقات أفعال القلوب في التعلّيق عن العمل في جميع الأحوال، و فاعله ضمير الواو البارز

- (۲) أمضى: مشتق و اسم تفضيل (مصدر: مضاء)، نكرة و مقصور، خبر مفرد للمبتدأ « أي » و مرفوع بضمّة مقدّرة
- (۳) عزيمة: جامد و مصدر (جمعه: عزائم)، تمييز مفرد أو ذات و منقول عن المبتدأ، و مميّزه « أمضى »
- (۴) أي: اسم استفهام و معرب، مبتدأ و خبره « أمضى » و الجملة اسمية قد سدّت مسدّ المفعولين لفعل « ينظروا »

۱۳- « كَفَىٰ بِكَ دَاءٌ أَنْ تَرَى الْمَوْتَ شَاقِيًا » و حسب المنيا أن يكن أمانيًا. عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) ترى: فعل مضارع مهموز العين، فاعله ضمير « أنت » المستتر و مفعوله « الموت » و الجملة مصدر مؤوّل و فاعل لفعل « كفى »

- (۲) كفى: فعل ماضٍ و فاعله ضمير الكاف في « بك »، و مفعوله المصدر المؤوّل « أن ترى » تأويله: رؤيتك
- (۳) بك: الباء حرف جر زائد، و الكاف ضمير متّصل في محلّ نصب مفعول به لفعل « كفى » مقدّم على الفاعل
- (۴) يكنّ: مضارع من الأفعال الناقصة، اسمه ضمير النون و الجملة مصدر مؤوّل و خبر للمبتدأ « حسب »

۱۴- « ففَلْتُ عَسَاهَا نَارٌ » (كأس) (محبوبة الشاعر) و علّها تشكّي فأتى نحوها فأعوذها. عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) قلت: ماضٍ - للمتكلّم وحده - معتل و أجوف (إعلاله بالحذف) - مبني للفاعل أو للمعلوم / فعل و فاعل، و مفعوله مقول القول « عساها ... » في محلّ نصب

- (۲) أتى: فعل مضارع - للمتكلّم وحده - مجرّد ثلاثي - معتل و ناقص / فعل مرفوع بضمّة مقدّرة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنا »

- (۳) تشكّي: فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (أصله: تشكّي، من باب افتعال) / فعل و فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و خبر « علّ »

- (۴) عسى: من النواسخ، اسمها ضمير « ها » و خبرها « نار »، و يُجعل ضمير النصب نائباً عن ضمير الرفع

- ۱۵- « فَاكْثَرُ مَا تَلْقَى الْفَقِيرَ مُدَاهِنًا وَ أَكْثَرُ مَا تَلْقَى الْغَنِيَّ مُرَائِيًا ». عَيْنُ الصَّحِيحِ:
- (۱) « مُدَاهِنًا » وَ « مُرَائِيًا » حَالَانِ مِنَ الْمَفْعُولِ بِهِ، لَا تَصْلُحَانِ لِلْخَبَرِيَّةِ، وَ الْخَبَرُ فِي الْجُمْلَتَيْنِ مَحْذُوفٌ وَجُوبًا
- (۲) « مَا » فِي « مَا تَلْقَى » مُوصُولٌ حَرْفِيٌّ، وَ هُوَ وَ صِلَتُهُ فِي مَحَلِّ الرَّفْعِ عَلَى الْخَبَرِيَّةِ
- (۳) « مَا » مُوصُولٌ اسْمِيٌّ، وَ هُوَ مُضَافٌ إِلَيْهِ لـ « أَكْثَرُ » وَ فَاعِلُهُ فِي الْمَعْنَى
- (۴) « مُدَاهِنًا » وَ « مُرَائِيًا » حَالَانِ مِنَ الْمُبْتَدَأِ، وَ هُمَا خَبَرَانِ فِي مَحَلِّ الرَّفْعِ

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (۱۶-۳۰)

- ۱۶- عَيْنُ الْمَضَارِعِ الْمَوْكَّدِ مَعْرَبًا:
- (۱) هَلْ تَلْزَمُ نَفْسُكَ أَنْ تَكْتَسِبَ الْفَضَائِلَ وَ تَغَيِّرَ عَادَاتِهَا الْمَذْمُومَةَ؟!
- (۲) لَيْتَهَا تَدْعُوْنِي أَنْ أَشْتَرِكَ فِي النَّدْوَةِ فَأَزُورَ أَصْدِقَائِي الْقَدَمَاءَ!
- (۳) لَا يُسَيِّطِرَنَّ عَلَيْكَ الْيَأْسُ، فَيَسْقُطَنَّ عَلَى الْأَرْضِ!
- (۴) أَلَا تَقِيَانُ بَعْدَكُمْ لَمَّا تَعْدَانِ؟!
- ۱۷- عَيْنُ جُمْلَةٍ لَهَا مَحَلٌّ مِنَ الْإِعْرَابِ:
- (۱) إِنْ تَجْتَنِبَ الْكَذِبَ إِذَا أَنَا أَسْرًا!
- (۲) وَ اللَّهُ إِنْ تَخْلَصَ عَمَلُكَ لِيَضَاعِفَنَّ أَجْرَكَ!
- (۳) مَنْ يَجَاهِدْ يَفْزُ فِي الْحَيَاةِ!
- (۴) زَمِيلِي شَارَكَ فِي الْمَرَاسِمِ يَوْمَ أَلْقَيْتَ الْمَحَاضِرَةَ!
- ۱۸- عَيْنُ مَا يَجُوزُ فِيهِ حَذْفُ الْعَائِدِ:
- (۱) اِعْمَلْ فِي حَيَاتِكَ الدِّرَاسِيَّةَ مَا أَنْتَ عَامِلٌ.
- (۲) جَاءَ مِنَ الزَّمَلَاءِ الَّذِي إِيَّاهُ دَعَوْتَ إِلَى الْوَرُشَةِ.
- (۳) رَأَيْتُ مَنْ هُوَ يَحْتَرِمُ الْآخَرِينَ عِنْدَمَا يَسَاعِدُهُمْ.
- (۴) تَكَلَّمْتُ حَوْلَ هَذِهِ الْعُوبِصَةِ مَعَ مَنْ هُوَ فِي النَّدْوَةِ.
- ۱۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ (فِي اسْمِ الْفِعْلِ):
- (۱) حَيَّوْا عَلَى الْمَعْرُوفِ؛ فَالْوَقْتُ ضَيِّقٌ!
- (۲) شَتَّانَ الْأَمْرُ أَيُّهَا الْأَمِيرُ!
- (۳) عِنْدَكَ الْوَعْيُ فَإِنَّ الْعَدُوَّ خَدَاعٌ!
- (۴) الْغَفْلَةُ بَلَّةٌ أَيُّهَا الْوَاعِي!
- ۲۰- عَيْنُ الْخَطَا (فِي عَمَلِ الْمَصْدَرِ):
- (۱) ضَرَبْتُكَ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَكَ عَلَى اكْتِسَابِ خَبَرَاتٍ جَدِيدَةٍ نَافِعَةٍ.
- (۲) رَجَائِي أَنْ لَا تَقْطَعَ عَنِّي عِلَاقَتَكَ لِأَنِّي أَفْرَحُ بِزِيَارَتِكَ.
- (۳) إِلَهِي رَحِمَاتِكَ الْعِبَادَ جَعَلْتَهُمْ مُجْتَرِبِينَ عَلَى الذُّنُوبِ.
- (۴) اسْتَقْرَارُكَ فِي قَلْبِ الْآخَرِينَ يَطْلُبُ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِمْ.
- ۲۱- عَيْنُ مَا يَخْتَلِفُ فِيهِ نَوْعُ « اللَّامِ » عَنِ الْبَقِيَّةِ:
- (۱) ﴿ وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴾
- (۲) ﴿ وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ ﴾
- (۳) ﴿ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلسُّحْتِ ﴾
- (۴) ﴿ مَنَاعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمَ ﴾

۲۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ دُخُولِ لَامِ الْإِبْتِدَاءِ عَلَى مَعْمُولِ الْخَبَرِ:

- (۱) إِنْ لَأَلَى الْحَقِّ سَوْفَ تَمِيلُ!
(۲) إِنْ الْمَنَافِقِينَ لَعَنَ الصَّرَاطُ لَنَاصِبُونَ!
(۳) إِنْ اللَّهَ لَعَنَ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ!
(۴) إِنْ الْمُعَلَّمَ لَفِي هَذَا الْيَوْمِ لَمْ يَسْأَلْ عَنِّي!

۲۳- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْبِنَاءِ لِلْمَجْهُولِ:

- (۱) عَاقَبَ الْمُعَلَّمَ الْكَسُولَ ← عَوَّقَبَ الْكَسُولَ مِنَ الْمُعَلَّمَ.
(۲) حَوَّلْنَا اللَّهَ الْحَرِيَّةَ فِي الْحَيَاةِ ← حُوِّلَتِ الْحَرِيَّةُ فِي الْحَيَاةِ.
(۳) ذَهَبْتُ بِالْفَتَاةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ ← ذُهِبْتُ بِالْفَتَاةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
(۴) ذَهَبْتُ بِالْفَتَاةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ ← بِالْفَتَاةِ ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

۲۴- عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي يَجِبُ حَذْفُ «الْوَاوِ» فِيهَا:

- (۱) وَقَفَّهِ الطَّالِبُ وَمَا تَكَلَّمَ شَيْئًا.
(۲) مَا رَأَيْتُ كِتَابًا، إِلَّا وَ لَهُ ثَمَنٌ بَاهِظٌ.
(۳) صَحَكَتْ وَشَرُّ الْبَلْبَةِ مَا تَضْحَكُ عَلَيْهَا.
(۴) هَذَا الْبَيَانُ وَ لَاشْكَ فِيهِ إِذَا تَمَعْنَ النَّظَرَ.

۲۵- عَيْنَ الْوَاوِ لَا تَكُونُ إِلَّا مُعْيَةً:

- (۱) بَعْدَ غِيَابِ الشَّمْسِ طَلَعَ النُّجُومُ وَ الْقَمَرُ فِي السَّمَاءِ.
(۲) نَجَحْتُ أَنَا وَ اثْنَتَيْنِ مِنْ زَمِيلَاتِي فِي الْأَمْتِحَانِ.
(۳) كُلُّ طَالِبٍ وَ جَهْدُهُ مُتَلَازِمَانِ فِي الْعَمَلِ.
(۴) إِنْ اللَّهَ يَرْزُقُنَا وَ إِيَّاكُمْ لَوْ كُنَّا كَادِحِينَ.

۲۶- الْأَنْسَبُ فِي مُوَاجَهَةِ مَنْ لَا يَجْتَهِدُ كَمَا يَلِيقُ أَنْ نَقُولَ لَهُ:

- (۱) اجْتَهِدْ!
(۲) مَجْتَهِدًا!
(۳) اجْتَهِدَا!
(۴) اجْتَهِدَا!

۲۷- عَيْنَ الْخَطَا فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- (۱) لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ = لَا تَسْتَعْمَلُ فِي الْفَصِيحِ هَذِهِ الْعِبَارَةَ فِيهَا رَكَاةٌ!
(۲) لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ = تَأْكِيدُ النَّفْيِ لـ «حَوْلَ» وَ «قُوَّةَ» أَشَدَّ مِنْ بَقِيَّةِ الْعِبَارَاتِ!
(۳) لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ = تَأْكِيدُ النَّفْيِ عَلَى عَدَمِ وَجُودِ «القُوَّةَ» أَشَدَّ مِنْ حَالَةِ الرَّفْعِ (قُوَّةَ)!
(۴) لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ = لَا نَجِدُ أَيَّ مُصْداقٍ لـ «حَوْلَ» وَ لَكِنْ رُبَّمَا لـ «قُوَّةَ» لَيْسَ كَذَلِكَ!

۲۸- أَيُّ تَابِعٍ مِنَ التَّوَابِعِ التَّالِيَةِ فِيهِ نَوْعٌ مِنَ الْوَصْفِ!

- (۱) دَعَوْتُهُ أَسْتَادِي إِلَى الْمَشَارَكَةِ فِي الْمَحَاضِرَةِ.
(۲) ذَهَبَ زَيْدُ الْأَسْتَادِ إِلَى الْمَحَاضِرَةِ.
(۳) شَارَكَ الْأَسْتَادُ هُوَ فِي مَجْلِسِ الْمَحَاضِرَةِ.
(۴) جَاءَ الْأَسْتَادُ زَيْدٌ إِلَى مُحَاضِرَةِ الْقِسْمِ.

۲۹- عَيْنَ الْخَطَا:

- (۱) أُجَدِّنِي نَاجِحًا حِينَ أَسَاعِدُ الْآخِرِينَ!
(۲) رَأَيْتُنِي فِي خَطَرٍ عِنْدَمَا أَرَى ذَلِكَ!
(۳) ظَنَنْتُنِي قَادِرًا عَلَى تَحْمِلِ هَذَا الْعَبَاءِ!
(۴) نَادَيْتُنِي أَلَا أَقُومُ بِذَلِكَ الْفِعْلِ!

۳۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ (في تقديم المعمول على العامل):

- (۱) المسألة هل أدركتها و حللتها!
- (۲) الكتاب إن تقرأ تجد فيه خيراً كثيراً!
- (۳) الرسالة لأنا مرسله إلى صاحبها!
- (۴) ذهبت إلى المعرض لكنني أي شيء ما اشتريت!

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الثَّانِيَةِ (۳۱-۴۰)

۳۱- «لَأَنْتَ أَسْوَدُ فِي عَيْنِي مِنَ الظُّلَمِ». عَيْنُ الْعَيْبِ الَّذِي أَخْلَ بِقِصَاحَةِ الْكَلِمَةِ:

- (۱) النُّقْلُ!
- (۲) تَنَافُرُ الْحُرُوفِ!
- (۳) الْغَرَامَةُ!
- (۴) مُخَالَفَةُ الْقِيَاسِ الصَّرْفِيِّ!

۳۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) «فَمَا الْحَدِيثُ عَنْ حِلْمِ بَمَانَعَةٍ» ← صِيغَتِ الْجُمْلَةِ عَلَى آسَاسِ الْأَصْلِ، فَكُلٌّ فِي مَوْقِفِهِ الْأَصْلِيِّ!
- (۲) «قَدْ يَوْجَدُ الْجَلَمُ فِي الشُّبَّانِ وَ الشُّبَّابِ» ← الْمُخَاطَبُ لَمْ يَكُنْ يَدْرِي مَا يَرِيدُ الْمُتَكَلِّمُ أَنْ يُخْبِرَهُ!
- (۳) «فَإِنَّمَا هِيَ إِقْبَالٌ وَ إِنْجَارٌ» ← ضَرْبُ الْخَبَرِ إِنْكَارِيٌّ، فَالْمُخَاطَبُ كَانَ مُنْكَرًا الْمَوْضُوعَ!
- (۴) «إِنَّكُمْ لَتَقْتُلُونَ عِنْدَ الطَّمَعِ» ← الْمُخَاطَبُ كَانَ مُرَدِّدًا فِيمَا يَتَكَلَّمُ عَنْهُ صَاحِبُ الْكَلَامِ!

۳۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْقَصْرِ:

- (۱) «بِكَ اجْتَمَعَ الْمَلَكُ الْمُبْدَدُ شَمْلُهُ» ← قَصَرَ الْمُوصُوفَ عَلَى الصِّفَةِ!
- (۲) «وَمَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» ← قَصَرَ الصِّفَةَ عَلَى الْمُوصُوفِ!
- (۳) «إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» ← الْفَاعِلُونَ ادَّعَوْا أَنْ إِصْلَاحَهُمْ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَنْكَرَ فِيهِ!
- (۴) «وَمَا لِأَمْرٍ أَنْ يَطُولَ الْخُلُودُ فَإِنَّمَا يَخْذُهُ طَوْلُ النَّشَاءِ فَيَخْلُدُ» ← الْمُرَادُ مِنَ الْقَصْرِ الْمُبَالَغَةُ!

۳۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ» ← لَا مَجَالَ لِلشَّكِّ فِي اسْتِجَابَةِ اللَّهِ عِنْدَ الْاسْتِغَاثَةِ!
- (۲) «فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ» ← فَعْلُ التَّكْذِيبِ يَنْتَهِي لَكِنْ فَعْلُ الْقَتْلِ لَا يَنْتَهِي مِنْ جَانِبِكُمْ!
- (۳) «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ» ← فَعْلُهُمْ يَزُولُ وَ يَقْنِي، وَ أَمَّا فَعْلُ اللَّهِ فَلَا يَزُولُ وَ لَا يَقْنِي!
- (۴) «قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ» ← الْمَقْصُودُ: رَيْبًا لَمْ تَكُنْ أَنْتَ قَبْلَ هَذَا هَكَذَا، وَلَكِنْ الْآنَ تَرِيدُ أَنْتَ أَنْ تَلْعَبَ بِنَا!

۳۵- عَيْنُ مَا يَخْتَلِفُ فِيهِ سَبَبُ الْفَصْلِ عَنِ الْبَقِيَّةِ:

- (۱) «وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسُ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»
- (۲) «إِنْ مِثْلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمِثْلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تَرَابٍ»
- (۳) «فَوَسَّوسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ»
- (۴) «وَ ضَرَبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ»

۳۶- عین الصحيح عن نوع التشبيه في البيت التالي:

« كَانْ قُلُوبُ الطَّيْرِ رَطْبًا وَ يَابِسًا لَدَى وَكْرَهَا الْعَنَابُ وَ الْحُشْفُ الْبَالِي »

(۱) المفردان المقيدان بالمفردين المقيدین

(۲) الملفوف

(۳) المركب بالمركب

(۴) الجمع

۳۷- عین الخطأ عن الاستعارة:

(۱) « كُلَّمَا سَمِعَ هَيْعَةً طَارَ إِلَيْهَا » - الجامع داخل في مفهوم الطرفين!

(۲) « وَ قَطَعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا » - الجامع غير داخل في مفهوم الطرفين!

(۳) « لَدَى أَسَدٍ شَاكِي السِّلَاحِ مُقَدَّبٌ » له لَبَدٌ أَظْفَارُهُ لَمْ تَقْلَمْ - فيه الترشيح و التجريد!

(۴) « فَبَنَى كُلَّمَا فَاضَتْ عَيُونُ قَبِيلَةٍ دَمًا » ضَحِكْتَ عَنْهُ الْأَحَادِيثُ وَ الذُّكْرُ - في البيت الاستعارتان،

ممكنة تخيلية و تصريحية تبعية!

۳۸- عین نوع المجاز في « لأمر ما جدد قصير أنفه »:

(۱) المجاز المركب بالاستعارة

(۲) المجاز المفرد المرسل

(۳) المجاز المركب المرسل

(۴) المجاز المفرد بالاستعارة

۳۹- « رأى العقيق فأجرى ذاك ناظره » - عین نوع الصنعة البديعية:

(۱) الاستخدام

(۲) الإحصاء

(۳) المزوجة

(۴) التجريد

۴۰- عین الخطأ عن حذف « ن » الأفعال التي تحذف على وزن الشعر:

(۱) وَ إِنْ تَكُ طَلِيٌّ كَانَتْ كِرَامًا

(۲) فَوَرْدَانُ لَعْنَهُمْ أَبْوَهُ (من الوافر)

(۳) أَبْشِرْ بَعُونَ اللَّهِ إِنْ تَكُ مُحْسِنًا

(۴) فَالْمَرْءُ يُحْسِنُ طَرْفَةً فَيَعَانُ (من الكامل)

(۵) إِنْ يَكُ صَبْرٌ ذِي الرُّزْيَةِ فَضْلًا

(۶) تَكُنْ الْأَفْضَلُ الْأَعَزُّ الْأَجَلُ (من الخفيف)

(۷) فَإِنْ يَكُ سَيَّارٌ بَنٌ مُكْرَمٌ انْقَضَى

(۸) فَإِنَّكَ مَاءُ الْوَرْدِ إِنْ ذَهَبَ الْوَرْدُ (من الطويل)

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۱-۷۰)

۴۱- عین الصحيح عن خصائص الشعر الجاهلي:

(۱) نزعة تقليدية قبلية مع سيطرة المادية على الأخيلة و التفكير، كما يتسم بالواقعية و الخطابية.

(۲) مزيج من اتباعية و ابتداعية و إباحية و صوفية متصف بالتصنع و البدیع و جمال الموسيقى.

(۳) ولید الغناء و الزخرفة و نعيم الحياة، و قد ازداد تألقاً و ثروة بيانية و بديعية.

(۴) نزعة شخصية و نظرة عقلية و أخيلة خصبة.

۴۲- «شاعر آموی مجید فی رثائه ماهر فی تهکمه، و لسخریته فی آهاجیه جعنه الحجاج شاعره الخاص فوصله ببنی أمیه و منحهم و نال جوائزهم». من هو؟

(۱) الأخطل

(۲) جریر

(۳) أحوص

(۴) الولید بن یزید

۴۳- «شاعر مصري متصوف، نظم معظم أشعاره الصوفية بمكة، له ديوان صغير وقفه على الغزل الصوفي، أسلوبه الإغراق في البديع و الصنعة». من هو؟

(۱) أبو العتاهیه

(۲) یشار بن برد

(۳) ابن الفارض

(۴) أبونواس

۴۴- عین الصحیح عن مؤلفی الكتب التالية علی التوالي:

«صبح الأغشى فی صناعة الإنشاء - المستطرف فی کل فن مستطرف - خزانه الأدب - البديع - طبقات الشعراء»

(۱) جمال الدین الوطواط - ابن فضل الله العمری - شهاب الدین النوریری - ابن رشیق - سهل بن هارون

(۲) القلقشندي - ابن فضل الله العمری - جلال الدین السيوطي - أصمعي - مفضل ضبي

(۳) جمال الدین الوطواط - الأبيشي - ابن عريشاء - أبو العباس ثعلب - ابن السكيت

(۴) القلقشندي - الأبيشي - البغدادی - ابن المعتز - ابن سلام الجمحي

۴۵- «شاعر عباسي مبال إلى استيفاء المعاني، متأثر في أسلوبه بالفلسفة و المنطق، يقب عليه الوصف». من هو؟

(۱) البحري

(۲) ابن الرومي

(۳) أبو تمام

(۴) ابن المعتز

۴۶- عین الخطأ:

(۱) يُعنى بموسيقى الكلمات و الحروف و الأصوات الموحية في الاتجاه التصليحي.

(۲) التصنع إنما هو مذهب أصحاب الدواوين و الكتابة الديوانية.

(۳) التصنع هو الخروج عن الطرق الطبيعية في التعبير الفني.

(۴) مظاهر مذهب التصنيع هي السجع و البديع و الترصيع.

۴۷- عین الصحیح عن سبب ازدهار العلم و الأدب فی عصر الدول و الإمارات مع کل ما فيه من تدهور سياسي:

(۱) وحدة التاريخ الأدبي في العالم الإسلامي.

(۲) اهتمام الملوك و الخلفاء بالثقافة العربية و الإسلامية.

(۳) امتزاج الثقافات المختلفة و ارتفاع الحضارة الإسلامية.

(۴) تعدد العواصم الثقافية و تنافس أمرائها في العلم و الأدب.

۴۸- عین الخطأ عن أسباب نشأة الرّجل و الموشحات في الأندلس:

(۱) إنّ الرّجل في بدايته أغنية شعبية لم تبدأ إلا حين تمّ ازدواج اللغة العربية في الأندلس لانقسامها بين لهجة دارجة و أخرى مكتوبة.

(۲) التفتّن العروضي و الميل إلى الأعاريض المهملة التي لم يألفها الذوق العام في المشرق من العوامل المهمة في نشأة الموشحات.

(۳) إنّ المسمّطات كانت هي الأساس الذي انبثق عنه الموشح و أكثر منها الشعراء المحافظون الذين لم يألفوا نظم الموشح.

(۴) الحاجة الشعبية إلى الغناء و التأثير بالأغنيات الشعبية الأعجمية يومئذ من أسباب نشأة الرّجل.

۴۹- عین ما ليس بصحيح عن رسالة « التوايع و الزوايع »:

(۱) إنّ المنظمة المصيرية لبديع الزمان هي التي ألهمت ابن شهيد رسالة «التوايع و الزوايع» و أوحى بها إليه.

(۲) في رسالة التوايع و الزوايع ترى صلة بين ابن شهيد و بديع الزمان، فابن شهيد يريد محاكاة بديع الزمان في مقاماته.

(۳) أنّ رسالة «التوايع و الزوايع» ك «رسالة الغفران» رحلة إلى ما وراء الواقع لكنهما تتباينان في الموضوع و لا تلتقيان أيّ التقاء.

(۴) رحلة التوايع و الزوايع لابن شهيد تدور على ما شاع على السنة العرب في العصر الجاهلي من تصوّر الشياطين للشعراء يلهمونهم أشعارهم.

۵۰- عین الخطأ عن الإجازات العنمية الثلاث في العصر الملوكي:

(۱) الإجازة بعراضة الكتب.

(۲) الإجازة بالمرويات.

(۳) الإجازة بالفتيا.

(۴) الإجازة بالتقاويض.

۵۱- عین الخطأ عن الحياة الفكرية و الثقافية في العصر العثماني:

(۱) ظهور النزعة العربية من خلال المحافظة على تقليد الشعر العربي القديم و بوادر الوحدة العربية الفكرية.

(۲) ظهور الاهتمام بالأدب العربي ببلاد الشام و مصر و غيرهما من الأقطار العربية دون تفريق بين بلد و آخر.

(۳) استمرار التخصص الوراثي في الأدب فيؤكد هذا الأمر على ظهور الأسر الأدبية التي توارثت الأدب و الفقه و غيرهما.

(۴) اقتصار الاعتزاز بالعروبة على العرب فإننا رأينا غير العرب ممن لم يؤمن بقدسية اللغة العربية و لم يفضل اللسان العربي على غيره.

۵۲- «إنه رائد الكتابة المسرحية العربية، حول بيته إلى مسرح. له مسرحيات «البخيل» و «أبو الحسن المغفل أو

هارون الرشيد» و «الحسود السليط». من هو؟

(۱) مارون النقاش (۲) أبو خليل القباني (۳) جورج أبيض (۴) سليم النقاش

۵۳- عین من لا یعتبر من أصحاب الرومنطیفة:

- (۱) الیاس أبوشبکه (۲) إلیا أبوماضی (۳) عمر أبوریثة (۴) أبوالقاسم الشابی

۵۴- عین الخطأ عن مدارس النثر الحديث:

- (۱) جمع أتباع مدرسة التجديد بین القديم و الحديث.
(۲) مدرسة المحافظة بدأت مع الشیخ ناصیف الیازجی.
(۳) یعتبر الشیخ محمد عبده من أركان مدرسة الاعتدال.
(۴) المترجمون الذین نقلوا آثار الغربیین أو اقتبسوا منهم الأسالیب، كانوا من أتباع مدرسة التجديد.
۵۵- عین الخطأ عن المفهوم المستنتج من العبارة التالية: «الشعر تعبير عن تجربة شعورية في صورة موحية»

- (۱) الشعر لا یحكي الواقع، بل هو حصيلة ما یراه الشاعر من الواقع.
(۲) إن الكلمات قبل أن تمزج بحياة الشاعر لا تجد طريقاً للتمظهر في شعر الشاعر.
(۳) إن كلمات الشاعر في شعره ليست مقتطفة من المعاجم، بل هي ما ذاقها طيلة حياته.
(۴) الشعر فارغ عن الأصول و القواعد التي بصوغها أصحاب الظاهر، بل ذلك بیان أمر ذهني.
۵۶- عین الصحيح: الهدف الغائي من العمل الأدبي هو أن یعطينا.....

- (۱) تأثراً شعورياً و عاطفياً بالحقائق إضافة إلى إضافة العقل.
(۲) صوراً انفعالية بحثة فارغة عن التأثيرات العقلية.
(۳) حقائق علمية و عقلية و اجتماعية.
(۴) تعبيراً عميقاً عن الواقع.

۵۷- عین الصحيح عن «المدرسة السلافية» في الأدب المقارن:

- (۱) مدرسة روسية، أطلق عليها اسم «المدرسة النمطية».
(۲) مدرسة أميركية، تقوم على البنية الجمالية و التشكيلية للنص المقارن.
(۳) مدرسة عربية، تهتم بتطبيق الخصائص الأدبية على الآداب العالمية.
(۴) مدرسة فرنسية، أطلق عليها «المدرسة التقليدية» أو «المدرسة التاريخية».

۵۸- عین الخطأ عن ميادين العمل في الأدب المقارن:

- (۱) دراسة مصادر الكاتب من الآداب الأجنبية.
(۲) دراسة الأجناس الأدبية في الأدب القومي.
(۳) دراسة مذهب أدبي ظهر في عدة آداب.
(۴) دراسة بلد كما یصوره أدب آخر.

۵۹- عین الصحيح عن الجماعات و المدارس التابعة للمدرسة الواقعية في الأدب:

- (۱) جماعة أبولو (۲) مدرسة المهجر (۳) مدرسة الالتزام (۴) مدرسة الديوان

۶۰- عین الخطأ عن المدرسة الكلاسيكية في الشعر:

- (۱) تتبع أصول «فن الشعر» لأرسطو.
(۲) تتجاهل الفلسفة العقلية.
(۳) تعتمد على نظرية المحاكاة.
(۴) تعتبر مذهباً اتباعياً.

- ۶۱- عین الصحيح: التعقيد المعنوي من سمات المدرسة
(۱) الكلاسيكية (۲) الواقعية (۳) الرمزية (۴) الرومانسية
- ۶۲- عین الصحيح عن غاية الأدب عند الشكلايين:
(۱) خدمة الأغراض الأخلاقية و التعليمية. (۲) الأدب ذاته، و هي غاية جمالية.
(۳) التأثير على الجماهير الكادحة. (۴) إبراز القيم النفعية للشكل.
- ۶۳- عین الخطأ عن نظرية الشكلائية الروسية: ينبغي أن يوجه النقد عنايتهم إلى
(۱) أدبية الأدب. (۲) المفاهيم الأدبية.
(۳) الإستراتيجيات اللغوية. (۴) الأساليب اللغوية.
- ۶۴- عین الصحيح عن البنيوية التكوينية:
(۱) اعتبرت بدور المؤلف و أهميته.
(۲) حاولت استبراك عيوب البنيوية الشكلية.
(۳) رفضت العلاقة بين البنية السطحية و البنية التحتية.
(۴) جاءت ردًا على الفصل بين داخل النص و خارجه.
- ۶۵- عین الخطأ:
(۱) من المأخذ على التفكيكية هي تركيزها على الكتابة.
(۲) حكم التفكيكيون على النصوص جميعًا بعدم الانسجام و الترابط.
(۳) التفكيكية لا تدعو إلى التنوع الثقافي و الحضاري و تعدد تجارب الشعوب.
(۴) من إيجابيات التفكيكية هي إفراح المجال لتعدد الأصوات و عدم احتكار المعرفة.
- ۶۶- عین الصحيح عن المستنبط من العبارة التالية:
«إن غاية النقد الأدبي هو تقويم العمل الأدبي من الناحية الفنية و بيان قيمته الموضوعية على قدر الإمكان، لأن الذاتية في تقدير العمل الأدبي هي أساس الموضوعية فيه»
(۱) إن السعي وراء تجريد الناقد من ذوقه تجاه العمل الأدبي و السير نحو الاتجاه الموضوعي هو أساس تقويم العمل الأدبي.
(۲) إن النظرة الذاتية تتمحور حول إصلاح العمل الأدبي، فلا تعتمد على النظرة الموضوعية إليه.
(۳) لا يخلو النقد القويم من النظرة الواقعية إلى النص و كذلك العلمية فإن الموضوعية تطلب ذلك.
(۴) بين النقد الذاتي و النقد الموضوعي تفاعل في عملية الاستنباط، فلا يفصل الواحد عن الآخر.
- ۶۷- عین الصحيح عن المأخذ الأساسي على منهج عبد القاهر الجرجاني في النقد:
(۱) إقتصاره على النقد اللغوي البحت.
(۲) إغفاله عن المنطق اليوناني في النقد.
(۳) الاهتمام اللازم بالتفاعل بين اللفظ و المعنى.
(۴) إغفاله عن الجانب الصوتي في اللغة و عدم التصريح بذلك.

۶۸- عین الخطأ عن الهرميتوطيقا الحديثة:

- (۱) لا أثر للمؤلف إيجاباً أو سلباً في عملية فهم النص.
 - (۲) تؤكد على الاهتمام بالخلفيات و الافتراضات المسبقة.
 - (۳) لا تنص على اتخاذ منهج معين للوصول إلى المعنى.
 - (۴) هي من محاصيل ما بعد الحداثة التي تنقد مكانة العقل في الفكر الغربي.
- ۶۹- عین الخطأ فيما يتعلق بموضوع «المحاكاة»:

- (۱) عبر النقاد المعاصرون عن المحاكاة بـ «النصية» و موت صاحب النص بعد نشره.
 - (۲) يجب الاتصال بالآداب الأخرى ضمن المحافظة على هوية الأديب.
 - (۳) يعتقد النقاد بعدم ملكية النص للأديب بل هو ملك للجميع.
 - (۴) تؤدي المحاكاة إلى تفويض الأدب القومي أو نهتمش هويته.
- ۷۰- عین الخطأ عن «أفق توقع القارئ»:

- (۱) يختلف من قارئ إلى قارئ حسب ثقافته و جنسه.
- (۲) هذا الأفق يحدده النص و ظروف نشأته.
- (۳) هذا الأفق يحدد معنى النص.
- (۴) لا يوجد أفق مغلق أو ثابت.

■ ■ ■ اقرأ النصوص التالية (الف - ب - ج - د - هـ - و - ز) ثم أجب عن الأسئلة التالية (۷۱-۱۰۰) بما يناسب

الف: (۷۱-۷۴)

قال الله تعالى في كتابه المجيد في سورة الحاقة:

﴿ فَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيهِ، إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ، فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ، فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ، فُطُوهُهَا دَانِيَةً، كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ، وَ أَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ، وَ لَمْ أُدْرَ مَا حِسَابِيهِ، يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ، مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ، هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ ﴾

۷۱- عین ما لا يناسب توصيف الآيات:

- (۱) إن أصحاب الشمال كانوا في الدنيا أولي الثروة و الهيمنة.
- (۲) إن الكيل على أساس العمل، فمن لم يكن له فلا يلاقي الهناء و الفرح.
- (۳) إزالة الحجاب عن القلوب لا تختص باليمينيين، بل الشماليين أيضاً كذلك.
- (۴) الملائكة يطلبون من الناس أن يقرؤوا صحيفة اليمينيين و ما عملوا في الدنيا.

۷۲- عین الصحيح:

- (۱) يا ليتها كانت القاضية: حبذا لو كانت تلك المونة قاطعة لأمری و لم أبعث!
- (۲) كلوا واشربوا هنيئاً: استفيدوا من النعم في حالة مريحة مستسيغة!
- (۳) هلك عني سلطانيه: عرشي و إمارتي قد زالا و لم يبقا!
- (۴) أسلفتم في الأيام الخالية: أقرضتم في الأيام الموحشة!

۷۳- من الغرائب المذكورة في الآيات:

- (۱) توصيف الدنيا بالأيام الخالية!
- (۲) للحياة في الجنة نفسها شعور و إدراك!
- (۳) ثمرات الأشجار في متناول يد الجانبين!
- (۴) كون الجنة واقعة في مكان عال مرتفع شأنًا!

۷۴- كيف وُصف أصحاب اليمين و أصحاب الشمال في الآيات المذكورة؟ عین الخطأ:

- (۱) لا يتكلم أحد منهم ما جاء في ملفه.
- (۲) في بادئ الأمر ملقهم بقرا على رؤوس الأشهاد.
- (۳) انكشف الحجاب عن عيون المتهمين فأدركوا أن تصوراتهم أمنيات لم تتحقق.
- (۴) اليمينيون ينادون من شدة الفرح و يطلبون من الآخرين أن ينظروا و يقرؤوا صحيفة أعمالهم.

ب: (۷۷-۷۵)

قد جاء في نهج البلاغة من قول الإمام (ع):

«ألا إن الدنيا دار لا يسلم منها إلا فيها و لا ينجي شيء كان لها، ابتلى الناس بها فتنة، فما أخذوه منها لها أخرجوا منه و حوسبوا عليه، و ما أخذوه منها لغيرها قُدموا عليه و أقاموا فيه؛ فإنها عند ذوي العقول كفيء الظل، بينا تراه سابغا حتى قلص، و زاندا حتى نقص إن غائبا يحده الجديان الليل و النهار، لحري بسرعة الأوبة، و إن قادمًا يقدم بالفوز أو الشقوة لمستحق لأفضل الغدة!»

۷۵- عین أقرب عبارة في النص تقرب من العبارة التالية مفهومًا: «فتزودوا في الدنيا من الدنيا!»

- (۱) إنها عند ذوي العقول كفيء الظل!
- (۲) ما أخذوه منها لها أخرجوا منه!
- (۳) إن الدنيا لا يسلم منها إلا فيها!
- (۴) إن الدنيا لا ينجي شيء كان لها!

۷۶- عین الخطأ: الدنيا عند أولي الألباب

- (۱) لها وجهان لا يجتمعان حيث إن وجهًا منها يضاد الآخر.
- (۲) محدرة يجب أن يتعد الناس عنها و يزهدوا فيها.
- (۳) وسيلة للوصول إلى الغايات المتامية.
- (۴) محددة ما إن تأتي حتى تذهب.

۷۷- عین الصحيح:

- (۱) بینا تراه سابغا حتی قلعص: زمانی که دنیا را فراگیر می یابی، بلافاصله کوتاه می شود!
- (۲) ما أخذوه منها لها أخرجوا منه: هرچه از دنیا برای خود گرفته اند از آن بیرون می آورند!
- (۳) إن غائبا يحدوه الجديدان الليل و النهار: قطعاً مرگی که شب و روز آن را به جلو می راند!
- (۴) إن قادمًا يقدم بالفوز أو الشقوة: بی شک مسافری که به وسیله رستگاری یا شقاوت گام برمی دارد!

ج: (۷۸-۸۲)

قد أنشد لبيد بن ربيعة:

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱- بلينا و ما تبلى النجوم الطوالع | و تبقى الجبال بعدنا، و المصانع |
| ۲- و قد كنت في أكناف جار مضنة | ففارقتني جاز باريد نافع |
| ۳- فلا جزع، إن فرق الدهر بيننا | فكل فتى يومًا به الدهر فاجع |
| ۴- و ما الناس إلا كالديار، و أهلها | بها، يوم حلوها، و غدوا، بلاقع ... |
| ۵- أليس ورائي، إن تراخت منيتي | لزوم الغصا تحنى عليها الأصابع |
| ۶- أخبر أخبار القرون التي مضت | أدب كائني كلما قمت راکع |
| ۷- فأصحت مثل السيف أخلق جفته | تقادم عهد القين، و النصّل قاطع ... |
| ۸- أعاذل، ما يدريك إلا تظنينا | إذا رحل السقار من هو راجع ... |
| ۹- لغمرک، ماتدري الضوارب بالحصي | و لا زاحرات الطير ما الله صانع! |

۷۸- عین رقم البيت الذي يناسب مفهوم الآية التالية: ﴿و من نعمره ننكسه في الخلق﴾

- | | | | |
|------------|-----------|------------|------------|
| (۱) الرابع | (۲) الأول | (۳) السابع | (۴) الخامس |
|------------|-----------|------------|------------|

۷۹- عین رقم البيت الذي فيه مفهوم الآية التالية: ﴿كل من عليها فان﴾

- | | | | |
|------------|------------|------------|------------|
| (۱) الرابع | (۲) الثالث | (۳) الخامس | (۴) الثامن |
|------------|------------|------------|------------|

۸۰- عین الخطأ حول رؤية الشاعر:

- (۱) على أساس معتقدات الشاعر البلى غاية كل حي دون مظاهر الطبيعة.
- (۲) كان الشاعر مؤمناً بالله و إتما الحياة عنده جسر تعبر عليه و ما هي إلا رحلة.
- (۳) لا يرغب الشاعر في الشيخوخة لأنه آنذاك يجب أن يروي للآخرين أخبار الماضين.
- (۴) إن الجسم مجرد هيكل و شكل خارجي، في حين تكمن القوة في الجوهر و هو الروح.

۸۱- عین رقم البيت الذي يدل على أن الشاعر لم يكن يؤيد الأفكار الخرافية:

- | | | | |
|------------|------------|------------|------------|
| (۱) الثامن | (۲) السابع | (۳) التاسع | (۴) الرابع |
|------------|------------|------------|------------|

۸۲- عین الصحيح:

- (۱) في البيت الثامن يوبخ الشاعر لانتمه و يقول إن من مات لا يعود.
- (۲) في البيت التاسع يشير الشاعر إلى أسلوبين من أساليب الحياة الجاهلية.
- (۳) في البيت السادس يصرّح الشاعر بأن مهنته في قبيلته كانت نقل الأخبار و ذكر القصص.
- (۴) في البيت الأول يشير الشاعر إلى وجود أماكن باسم المصانع يعمل الناس فيها و يصنعون الأشياء.

د: (۸۳-۸۷)

قد انشد المتنبي مادحا سيف الدولة:

- ۱- بغيرك راعيا عبث الذئاب
- ۲- و تملك أنفس الثقلين طرا
- ۳- و ما تركوك معصية ولكن
- ۴- طلبتهم على الأمواد حتى
- ۵- فبت لياليا لا نوم فيها
- ۶- فقاتل عن حريمهم و فزوا
- ۷- فغنن كما أخذن مكرمات
- ۸- و كيف يتم بأسك في أناس
- و غيرك صارما ثلم الضراب
- فكيف تحوز أنفسها كلاب
- يعاف الورد والموت الشراب
- تخوف أن تفتشه السحاب
- تخب بك المسومة العراب
- ندى كفيك و النسب القراب
- عليهن القلائد و المصاب
- تصيبهم فيولمك المصاب

۸۳- عین الصلح فی ترجمة البيت الأول:

- ۱) الذئاب من المتمردین استباحه لم الجميع إلا أنت حين كنت راعيا و السيوف كسرت سيوف الجميع إلا أنت!
- ۲) لا فائدة من الذئاب إذا كان الراعي غيرك! و هذا في وقت أن الآخرين إذا كانوا متمرسين فيحدثون التلمات و الفجوات!
- ۳) العابثون يلعبون بالجميع ولكن بك لا يستطيعون، و إذا كان غيرك سيفا قاطعا فذلك يحدث شقة في النهم الحربية!
- ۴) إذا ما كنت راعيا فالذئاب تفعل ما تشاء، و إن لم يكن السيف بيدك فتفطر السيوف و لا أثر لأية ضربة عليهم!

۸۴- عین رقم البيت الذي يتفق في المفهوم مع البيت التالي:

« قومي هم قتلوا أميم أخي فإذا رميت يصيبني سهمي »

- ۱) الخامس ۲) الثامن ۳) السادس ۴) الثالث

۸۵- عین الخطأ:

- ۱) إن المتمردین كانوا من أقباء سيف الدولة.
- ۲) كان سيف الدولة يحب المشاغبين فلم يرد أن ينال منهم.
- ۳) لم يقم سيف الدولة بسبي المتمردین فأطلق سراحهم و اجتنب الأذى عليهم.
- ۴) في القصيدة نجد إخلاص الشاعر لسيف الدولة حيث يشجعه ضد جماعة المتمردین.

۸۶- كيف أرى الشاعر نفسه في القصيدة؟ عین الخطأ:

- ۱) غير مراعاة قواعد اللغة الفصحى!
- ۲) محبا للعاصين و مخلصا وفيئا للملك!
- ۳) مدافعا عن السلطة و جاعلا مقدسة سماوية!
- ۴) خادعا لجماعة العاصين و واصفا إياهم بالجناء!

۸۷- کیف یصف الشاعر تعقیب سیف الدولة المتمردين؟ عین الصحيح:

- (۱) من تون أن يتبعهم و يؤدبهم عادوا إلى طاعته.
- (۲) بجيش عزل و قوارس مستميتين واجه جماعة الفارين.
- (۳) كان ساهراً لبالي و هو يسرع و يعدو بالخيول العربية باحثاً عنهم.
- (۴) كان جاداً في أمره فكأنه يبحث عنهم داخل الغيوم خائفاً ليجدهم و يقبض على أيديهم.

هـ: (۸۸-۹۲)

قد أنشد الشريف الرضي:

- ۱- نبهتهم مثل عوالي الزمخ
- ۲- قوارس نالوا المني بانقنا
- ۳- لفارة سماع أنبائها
- ۴- ليس على مصرمها سبة
- ۵- قد أن للقلب الذي كذه
- ۶- لا بد أن أركبها صبية
- ۷- يجهدا أو ينثني بالردى
- ۸- الراح و الراحة ذل الفتى
- ۹- و أشعث المفرق ذي همة
- ۱۰- لما رأى الصبر مضراً به

- إلى الوغى قبل نموم الصباح
- و صافحوا أغراضهم بالصفا
- بغض منها بالزلال القراح
- و لا على المجلب منها جناح
- طول مناجاة المني أن يراح
- وقاحة تحت غلام وقاح
- دون الذي قد رأوا بالنجاح
- و العز في ضرب ضرب اللقاح
- طوحة الهم بعيداً فطاح
- راح و من لم يطبق الذل راح

۸۸- عین الصحيح: عند الشاعر الفوز و النجاح حليف من كان!

- (۱) صحراويًا أعزل تربى تربية بدوية!
- (۲) أهل الجد و الجهد و الجهاد!
- (۳) فارساً ضاجراً لا يترك السيف من يده!
- (۴) صابراً مستريحاً لم يكن يتحمل الذلة!

۸۹- عین الصحيح: الممدوح عند الشاعر هو الذي

- (۱) يرفض الراحة و يختار ركوب الفرسان!
- (۲) يترك الصبر في مواجهة الذل دوماً!
- (۳) يشعر باللوم و العار إذا لم يشعل الحروب!
- (۴) يلوذ بالسيف للوصول إلى غايته!

۹۰- بم لم یصف الشاعر هؤلاء الجنود الممدوحين في الأبيات المذكورة؟

- (۱) السامعين أخبار الغارات.
- (۲) مستقيمي القامة، منتصبين.
- (۳) أبناء الحرب و أصحاب السيف.
- (۴) المرهقين بعد طلب الأمانى.

۹۱- عین الصحيح:

- (۱) حين أخبر الجنود بالغارة فهم لم يستسيغوا الماء فكأنهم وقف الماء الزلال في حلقهم!
- (۲) إن الجنود استقاموا و أخذوا و عيهم بعد أن قام الشاعر بتوبيخهم لهذه الغارة القاسية!
- (۳) في رؤية الشاعر أن إشعال نار الحرب لا يسبب إلحاق العار على من شئوها!
- (۴) قبل انتهاء الصبح و قبيل الضحى أخبر الجنود بوقوع حرب شديدة ضارية!

۹۲- عین الخطأ فیما یدرك من البیتین الثامن و التاسع:

- (۱) بذل الخمر و الراحة الإنسان و إن الشرف في ركوب المطايا و إزالة الخلافات و اتخاذ الهمم البعيدة.
- (۲) إن التربية الصحيحة التي يغدو بها الإنسان شجاعاً صارماً توجد في أحضان الیادیه.
- (۳) العزّة لمن لا يعتني بظاهره لكنّه ذو إرادة حيث إنها تقوده إلى ركوب المهالك.
- (۴) الفتی المنشود لا یهتم بمنظره و یرغب في الحياة الصحراویه.

و: (۹۳-۹۷)

قد أنشد أبو العلاء المعري:

- ۱- تجنّب الأتام فلا أواخي
- ۲- و لو أن النجوم لدي مال
- ۳- كاني في سائر الدهر لفظ
- ۴- و لو أني حببت الخلد فردا
- ۵- فلا هطلت عليّ و لا بارضي
- ۶- و كم من طالب أمدى سيليقي
- ۷- يؤجج في شعاع الشمس نارا
- ۸- فلا و أبیک ما أخشى انتقاصا
- ۹- و كم عین تؤمل أن تراني
- ۱۰- و لو ملأ السها عينيه مني
- و زدت عن العدو فلا أعادي
- نفت كفائي أكثرها انتقادا
- تضمن منه أغراضا يعادا
- لما أحبيت بالخلد انفرادا
- سحائب ليس تتنظم البلادا
- ذوین مكاني السبع الشدادا
- و يقدر في تلّهبها زنادا
- و لا و أبیک ما أرجو ازديادا
- و تفقد عند رؤيتي السوادا
- أبر على مدى زحل و زادا

۹۳- في أحد الأبيات ينكر الشاعر عن نفسه الأتانية و الأثرة، ما ذاك البيت؟

- (۱) الثاني (۲) الخامس (۳) السادس (۴) الثامن

۹۴- عین رقم البيت الذي يطلب الشاعر من معارضيه أن يريحوا أنفسهم؛ لأنهم لا يستطيعون أن يذللوا منه.

- (۱) الثالث (۲) الرابع (۳) الثامن (۴) السابع

۹۵- عین رقم البيت الذي يقول الشاعر إنه لو اختبر الأصدقاء قبل اختيارهم ليعرض عن الكثير منهم؛ لما ظهر له

من عدم إخلاصهم.

- (۱) التاسع (۲) الثامن (۳) الثاني (۴) الرابع

۹۶- لم يستعن الشاعر بالصورة التالية للفخر بنفسه:

- (۱) إن عيون الناظرين من مناوئيه تفقد الحدة عند رؤيته!
- (۲) النجوم الخفية لو نظرت إليه زاد نورها حتى تفوق الأخرى!
- (۳) هو الشمس و الآخرون أنوار ضعيفة، فهل يقارن هذه بتلك!
- (۴) هو السحاب و الآخرون رعود و بروق، حيث لا تنفع بها البلاد!

۹۷- آیا موضوع لم یذكر فی الأبیات المذكورة؟

- ۱) الإشادة بالدهر و بیان أنه یسید بالشاعر.
- ۲) بغضه للأثرة فإنها مما لم یرغب الشاعر فیها.
- ۳) معاداة الدهر حیث إنه لم یر من الشاعر ما یوافق.
- ۴) عجز الأعداء عن منافسة الشاعر وعدم قدرتهم علی مُعاداته.

ز: (۹۸-۱۰۰)

قد أنشد بدر الشاکر السیاب:

تموز یموت علی الأفق
و تغور دماء مع الشفق
فی الکهف المغتم و الظلماء

۹۸- عین الصحیح: «تموز» إشارة إلى

- ۱) إله الحیاة و الموت.
- ۲) أسطورة العدالة و الصدق.
- ۳) إله الحب و العشق.
- ۴) أسطورة الغض و الاخضرار.

۹۹- عین الصحیح: قد أنشد الشاعر هذه الأبیات بعد

- ۱) نكسة اجتماعیة.
- ۲) انتصار شعبی.
- ۳) زهوق الباطل.
- ۴) خروج المستعمرین.

۱۰۰- عین الخطأ:

- ۱) قد زال النمو و الزرع و الإنتاج و انجزت البلاد إلى مزلق مهلك!
- ۲) یقصد الشاعر موت الإبداع و هیمنة الجهل و الخرافة علی البلاد!
- ۳) علی الرغم من أن مصادر النور قد أخدمت إلا أن الراية الحمراء للنار لا تزال مرفرفة!
- ۴) الحمره الباقیة فی السماء کل يوم تصرخ بأعلى صوت أن الحركة و الحیوة و النشاط لن تموت!